

بسم الله الرحمن الرحيم

ارزیابی استراتژی های مربوط به برجام با استفاده از تئوری بازی ها

عبارت برد- برد بارها در خصوص نتیجه برجام بکار رفته است. این عبارت که انتظار می رفت حاصل و نتیجه یکی از پیچیده ترین مذاکرات تاریخ باشد در تئوری بازی ها که در واقع مطالعه عکس العمل تصمیم گیرندگان است مطرح می شود. برای درک بهتر تئوری بازی ها مثال های متنوعی از انواع بازی ها بیان می شود که این مثال ها نشان می دهند که نتیجه عکس العمل تصمیم گیرندگان، می تواند برد-برد، برد-باخت یا حتی باخت-باخت باشد. تئوری بازی ها که شاخه ای از ریاضیات کاربردی است، در علوم مختلف به خصوص اقتصاد کاربرد های فراوانی داشته و در روابط بین الملل و انتخاب گزینه صلح و دوری از جنگ و خون ریزی نیز نتایج مناسبی به همراه داشته است. بسیاری بر این عقیده هستند که مدل سازی که در مورد استراتژی های مربوط به کوبا و آمریکا از طریق این نظریه صورت گرفته است، در جلوگیری از جنگ آمریکا و کوبا موثر بوده و همچنین در جایی دیگر مانع از جنگ سرد بین غرب و شرق به جنگ نظامی شده است. تئوری بازی ها بسته به نوع بازی، بازیگران و نتایج حاصل از تصمیم گیری ها نتایج متفاوتی به دنبال دارد. نتیجه حاصل از بازی ها همیشه برد- برد نیست. برای مشخص شدن موضوع، نمونه ای از یک بازی در تئوری بازی ها را بیان می کنیم که نتیجه آن قطعاً برد- برد نیست. بازی جوجه ها یا ترسوها مثالی است که در آن دو نوجوان در اتومبیل هایشان با سرعت به طرف یکدیگر می رانند، بازنده کسی است که اول فرمان اتومبیلش را بچرخاند و از جاده منحرف شود.

بنابراین :

اگر یکی بترسد و منحرف شود دیگری می برد، اگر هر دو منحرف شوند هیچ کس نمی برد اما هر دو باقی می ماند، اگر هیچ کدام منحرف نشوند هر دو ماشین هایشان (و یا حتی احتمالاً زندگیشان را) می بازند، بنا براین به احتمال زیاد یا هر دو تصادف کرده یا مساوی می شوند و احتمال برد- برد منتفی و حتی احتمال برد یکی از آنها خیلی کم است.

این نمونه ای از بازی هاست که نتیجه آن باخت- باخت بوده و برنده ای وجود ندارد. اگر بازی از نوع بازی با مجموع صفر باشد، بازی برد- باخت خواهد بود به دلیل اینکه بازی های مجموع صفر بازی هایی هستند که ارزش بازی در طول بازی ثابت می ماند یعنی ارزش آن کاهش یا افزایش پیدا نمی کند. در این بازی ها، سود یک بازیکن با زیان بازیکن دیگر همراه است. به عبارت ساده تر یک بازی مجموع صفر یک بازی برد-باخت است و به ازای هر برنده همواره یک بازنده وجود دارد.

بنابراین مشخص شدن نوع بازی برای تعیین نتیجه بسیار مهم است. تئوری بازی ها بر مطالعه تصمیمات عقلایی توأم با بردباری تاکید دارد به دلیل اینکه این نوع تصمیم گیری یعنی تصمیم گیری توأم با صبر و شکیبایی، مناسب ترین مدل برای بهترین رفتار می باشد. برای اینکه این اصل مهم در مذاکرات برجام مد نظر قرار گیرد نگاهی به نظرات مقام معظم رهبری نشان می دهد که نرمش قهرمانانه، کمک بزرگی در انتخاب راهبردهاست و بازیگران را به صبر و شکیبایی و در نظر گرفتن تمام زوایای کار و پرهیز از

گسترش مذاکرات در حوزه های دیگر که محاسبه نتایج آن بسیار سخت است، تشویق می کند و بر خونسردی یا بردباری برای تمرکز بر تصمیم سازی بهین، برای حفظ منافع ملی توصیه می نماید. از آنجایی که فهم دقیق تئوری بازی ها جزء ضروری ابزار های تحلیلی است نگاهی به عناصر تشکیل دهند این نظری می اندازیم. عناصر این تئوری عبارتند از:

۱ - بازیکنان

از آنجایی که بازیکنان در یک محیط رقابتی فعالیت می کنند لازم است ارتباط متقابل خود و دیگر بازیکنان هوشمند و هدفمند را بدانند و لذا آگاهی از تعارض ها و احتمال همکاری برای بازیکنان ضروری است.

۲ - استراتژی

تفکر استراتژیک در واقع فکر کردن به تصمیمات حریف و واکنش های احتمالی در مورد تصمیماتی است که اتخاذ می شود و استراتژی ، مهارت خوب بازی کردن یا محاسبه بکارگیری مهارت به بهترین وجه است. بازیکن ها ممکن است از استراتژی همدیگر آگاهی داشته باشند یا اینکه در یک زمان عمل کنند و از عمل همدیگر بی اطلاع باشند. نگاه به آینده و استفاده از تجربیات گذشته اصل مهمی برای بازیکنان است.

۳ - نتایج

مجموعه ایی از مطلوبیت یا رضایت خاطری است که هر بازیگر با هر ترکیبی از استراتژی های انتخابی می تواند بدست آورد. اولویت های یک بازیکن در اصل مشوق های بازیکن برای گرفتن نگرفتن تصمیم می باشد. به عبارت دیگر بیان گر نتیجه و امتیاز بازیکن در صورت گرفتن تصمیم متناظر با آن می باشد.

بازی می تواند متقارن یا نامتقارن باشد. در بازی متقارن نتیجه و سود حاصل از یک استراتژی به این بستگی دارد که چه استراتژی دیگری در بازی انتخاب شود و از اینکه کدام بازیکن این استراتژی را انتخاب می کند مستقل است. آنچه در مورد نوع انتخاب استراتژی های برجام و نوع بازیگران روشن است اینکه این نوع بازی متقارن نیست زیرا نتیجه مذاکره حاصل از یک راه برد به کشوری که آن را انتخاب می نماید بستگی دارد. اساسا در بازی متقارن نتیجه و سود حاصل از یک راه برد تنها به این وابسته است که چه راه بردهای دیگری در بازی پیش گرفته شود؛ و از این که کدام بازیکن این راه برد را در پیش گرفته است مستقل است. لذا واضح است که با توجه به شرایط و موقعیت کشورها مانند امتیاز حق وتو شورای امنیت و تاثیر این حق بر تصمیمات و همچنین بزرگی اقتصاد و موقعیت ژئوپلیتیک منطقه و عوامل دیگر باعث می شود راهبردی که توسط ایران یا کشورهای مقابل اتخاذ شود ، نتایج متفاوت و اثرات مختلفی به همراه داشته باشد.

گام مهم دیگر در تئوری بازی ها شناخت بازیکنان و استراتژی ها و منافع (پرداخت ها یا مطلوبیتی) است که وجود دارد.

هرچه شناخت بازیگران اصلی و تصمیم گیرندگان ایران و آمریکا از همدیگر دقیقتر باشد بدون شک در تعیین استراتژی کمک می کند.

با توجه به راهبردهایی که از طرف صاحب‌نظران مطرح گردیده است و همچنین مطالعاتی که صورت گرفته شرایطی که در آن قرار داریم، به نظر می‌رسد استراتژی‌های پیش روی آمریکا عبارت باشد از:

- ۱ - اعمال تحریم‌ها بدون همراهی اروپا
 - ۲ - اقدام از طریق بی‌ثباتی در داخل و حمایت از براندازی
 - ۳ - انزوای استراتژیک ایران در منطقه و تهی کردن ظرفیت و قدرت منطقه‌ای ایران
 - ۴ - تحریم‌ها با همراهی اروپا
 - ۵ - توافق و رفع تحریم‌ها
- و استراتژی‌های پیش روی ایران نیز عبارتند از
- ۱ - خروج از برجام و از سرگیری فعالیت هسته‌ای
 - ۲ - حفظ برجام از طریق همراهی اروپا
 - ۳ - سیاست جایگزینی روسیه و چین در مبادلات اقتصادی
 - ۴ - اقدام از طریق همراهی کشورهای منطقه و تسلط بر بازار انرژی منطقه
 - ۵ - توافق با آمریکا و اروپا

گام بعدی در تئوری بازی‌ها مشخص نمودن نتایج یا منافع یا مطلوبیتی است که هرکدام از بازیگران از استراتژی انتخابی کسب می‌کنند. برای دستیابی به نتایج از اعداد بصورت رتبه‌ای استفاده می‌شود به این معنی که هر کدام از استراتژی‌ها که نتایج بهتری داشته باشد با عدد بزرگتر نشان داده می‌شود. بنابراین عدد بزرگتر تنه‌ا برتری را نشان می‌دهد و ارزش و میزان منافع استراتژی را نشان نمی‌دهد. بعنوان مثال عدد ۳ برای استراتژی «الف» و عدد ۹ برای استراتژی «ب» تنها نشان می‌دهد که استراتژی «ب» برتر از استراتژی «الف» است و این معنی که ارزش استراتژی «ب» سه برابر استراتژی «الف» است قابل برداشت نیست و بجای عدد ۹ هر عدد دیگری که بیشتر از سه باشد می‌توان در نظر گرفت.

| توافق و رفع تحریم ها | تحریم ها با همراهی اروپا | انزوای استراتژیک ایران در منطقه و تهی کردن ظرفیت و قدرت منطقه ای ایران | اقدام از طریق بی ثباتی در داخل و حمایت از براندازی | اعمال تحریم ها بدون اروپا |
|----------------------|--------------------------|--|--|--|
| | | | | خروج از برجام و از سرگیری فعالیت هسته ای |
| | | | | حفظ برجام از طریق همراهی اروپا |
| | | | | سیاست جایگزینی روسیه و چین در مبادلات اقتصادی |
| | | | | اقدام از طریق همراهی کشورهای منطقه و تسلط بر بازار انرژی منطقه |
| | | | | توافق با آمریکا و اروپا |

پیامدهای هر استراتژی

پیامدهای استراتژی های آمریکا

۱ - اعمال تحریم ها بدون اروپا

این استراتژی باعث بی ثباتی بازارهای مالی، افزایش ریسک سرمایه گذاری، از دست دادن سهم بازارها و مشکلات مربوط به تهیه کالاهای سرمایه ای برای ایران می شود. در نتیجه این استراتژی هزینه فرصت از دست دادن بازار ایران برای شرکت های آمریکایی و شرکای آنها افزایش می یابد. افزایش تنش و به دنبال آن افزایش هزینه ها و همراه شدن و همراه نشدن کشورهای ب ه خصوص کشورهای منطقه و تهدیداتی که متوجه بازارها خواهد شد آثار بلند مدتی را در افزایش ریسک سرمایه گذاری و ریسک انتقال انرژی به همراه دارد. ناکامی در پیش بینی مدیریت تحولات منطقه بهانه هایی برای اقدام متقابل بوجود خواهد آورد.

۲ - اقدام از طریق بی ثباتی در داخل و حمایت از براندازی

منبع اطلاعات آمریکا در مورد وضعیت ایران معمولاً از مخالفین جمهوری اسلامی دریافت می شود و تحلیل هایی که توسط مقامات بلند پایه سیاسی و امنیتی آن کشور صورت می گیرد نشان می دهد تحلیل آنها با واقعیت ایران فاصله زیادی دارد. معنی این جمله این است که آنها با هزینه های فراوانی که صرف کرده اند شناخت درستی از ساختار جمهوری اسلامی ایران و پیوند میان مردم و نظام جمهوری اسلامی ایران ندارند. این جمله از وصیت نامه حضرت امام که فرمودند با دلی آرام و قلبی مطمئن و روحی شاد و ضمیری امیدوار

به فضل خدا از خدمت خواهران و برادران مرخص ، و به سوی جایگاه ابدی سفر می کنم قدرت نظام جمهوری اسلامی ایران را حداقل در چند سال بهد از رحلت شان نشان داده است. آمریکا از یک طرف نگران توسعه قدرت منطقه ایی ایران است و از طرف دیگر گروه های برانداز که هیچ محبوبیتی در داخل کشور ندارند و طبق محاسبات دقیق از داخل ایران حکایت از ناتوانی و عجز آشکار آنها دارد را محور تصمیمات و وسیله ای برای کسب امتیاز قرار داده است . نقض آشکار سیاست عدم دخالت در امور کشورها ، هزینه های بی ثباتی توسط قدرت های سلطه گر، منافع آنان را تهدید می کند. افزایش مهاجرت به کشور آمریکا و اروپا و برنامه های خرابکاری برای شهروندان غربی در نتیجه بی ثباتی منطقه، هزینه های آمریکا را چند برابر می کند.

۳ - انزوای استراتژیک ایران در منطقه و تهی کردن ظرفیت و قدرت منطقه ای ایران

بی ثباتی ناشی از رقابت برای افزایش قدرت منطقه ای، سوق دادن ظرفیت های منطقه به سمت رقابت در خرید تسهیلات، افزایش فروش تسهیلات به منطقه و کاهش سرمایه گذاری زیربنایی و فراهم نبودن بستر سرمایه گذاری، افزایش ریسک سرمایه گذاری در منطقه منافع و هزینه هایی برای آمریکا به همراه دارد که بزرگترین منفعت آمریکا از ایران هراسی، فروش سلاح های نظامی و دریافتی های فراوان بابت تضمین های امنیتی و سودهای حاصل از بازار نفت و بازارهای کالا و خدمات سودآور خاورمیانه است.

۴ - تحریم ها با همراهی اروپا

همراهی اروپا بخش قابل توجهی از هزینه های تحریم را از آمریکا به اروپا انتقال می دهد. این استراتژی بهترین استراتژی برای آمریکا و بدترین استراتژی برای ایران و اروپا است که در آن ادامه تحریم در گامی دیگر بازار ایران را به بازار انحصاری برای چین و روسیه تبدیل نموده و اروپا را از بازار ایران دور می کند.

۵ - توافق و رفع تحریم ها

این استراتژی می تواند باعث ثبات در منطقه و زمینه ساز سرمایه گذاری و تجارت و استفاده از مزیت های تجارت برای کشورها را فراهم نموده و باعث افزایش رفاه منطقه و جهان شود. موضوعی که با روح و جسم سیاست های استکباری در تضاد است و ایجاد تحریم در جهت مجبور کردن کشورها به خواسته تحریم کننده است.

پیامدهای استراتژی های ایران

۱ - خروج از برجام و از سرگیری فعالیت هسته ای

آژانس بین المللی انرژی بعنوان تنها مرجع تشخیص صلح آمیز بودن برنامه هسته ای کشورها بارها بر صلح آمیز بودن فعالیت های هسته ای جمهوری اسلامی ایران صحنه گذاشته است . سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر اساس نفی هر گونه سلطه جویی و سلطه پذیری، حفظ استقلال همه جانبه و تمامیت ارضی کشور، دفاع از حقوق همه مسلمانان و عدم تعهد در برابر قدرت های سلطه گر و روابط صلح آمیز متقابل با دول غیر محارب استوار است . از طرف دیگر رهبر معظم انقلاب شرعا استفاده از سلاح هسته ای و مشابه آنرا حرام اعلام نموده است . با این مواضع روشن آمریکا به دنبال القای این موضوع است که فعالیت هسته ای ایران برای دستیابی به سلاح هسته ای است. از آنجایی که دانش هسته ای کاربردهای فراوانی در بخش های غیر نظامی مانند بخش کشاورزی و صنعت دارد، از سرگیری فعالیت های هسته ای و استفاده از دانش هسته

ای منافع زیادی برای کشور به همراه دارد و هزینه های از سرگیری فعالیت هسته ای مربوط به فشار از طریق تحریم و محدودیت برای تجارت و سرمایه گذاری است.

۲ - سیاست جایگزینی روسیه و چین در مبادلات اقتصادی

از طریق این استراتژی می توان بخشی از نیازهای اقتصادی ایران را تامین کرد و در صورت همکاری این کشورها تحریم های آمریکتا حدودی اثر خود را از دست خواهد داد. از طرف دیگر کشورهای منطقه مانند عربستان و امارات با هزینه های فراوان تلاش می کنند که سهم ایران در مبادلات تجاری، اقتصادی با این کشورها را کاهش دهند و تا حد ممکن و با صرف هزینه های گفته شده سعی در بی اثر نمودن جایگزینی این کشورها در مبادلات اقتصادی دارند.

۳ - اقدام از طریق همراهی کشورهای منطقه و تسلط بر بازار انرژی منطقه

این سیاست منافع زیادی نه تنها برای ایران بلکه برای تمام کشورهای منطقه به همراه دارد و اختلاف های عمیق و زمینه هایی دشمنی که از طریق رژیم صهیونیسم ایجاد شده است و ترس حکام کشورهای فاقد انتخابات آزاد و مردم سالار از توفیقات نظام های مردم سالار مانع از همراهی برای بهره برداری بهتر از منابع در اختیار شده است. اقداماتی که باعث همراهی کشورها منطقه ب خصوص کشورهای صاحب ذخایر نفت و گاز می شود، منافع بی شماری نصیب این کشورها خواهد نمود که تلاش ایران برای این سیاست باعث توسعه کشورها و استفاده مطلوب از بازارهای متنوع و پر سود و کاهش هزینه های خرید سلاح های نظامی و برقراری امنیت منطقه خواهد شد.

۴ - حفظ برجام از طریق همراهی اروپا

حفظ برجام فضایی با همراهی اروپا، فضای مناسب و امیدوارکننده ای در اختیار اقتصاد ایران قرار می دهد و دامنه گسترده ای از فعالیت ها اقتصادی و مبادلات کالا و خدمات و قراردادهای سرمایه گذاری میان اروپا، روسیه و چین ایجاد خواهد شد. همراهی اروپا محدودیت های مالی را برای ایران از بین می برد و علاوه بر حفظ سهم بلنار، انتخاب های متنوعی برای واردات کالاهای سرمایه ای ایجاد می کند.

۵ - توافق با آمریکا و اروپا

توافق با آمریکا وارد مسیر بسیار پیچیده ای شده است. همه منافی که از طریق تجارت آزاد و در سایه صلح با احترام متقابل نصیب کشورها می شود در صورت توافق بین ایران و آمریکا قابل تصور است. برعکس، در دوره جدید شاهد خروج آمریکا و اقدامات این کشور برخلاف اصول پذیرفته شده سازمانهای بین المللی نظیر سازمان تجارت جهانی و تعهدات زیست محیط و غیر هستیم. توافق با حفظ حقوق کشورمان و با احترام متقابل و تامین منافع ملی دستاوردهای برای صلح منطقه به همراه دارد.

نتایج مربوط به استراتژی ها

در این قسمت نتایجی که بازیگران در مقابل استراتژی که انتخاب می کند در مقابل انتخاب هر کدام از استراتژی ها توسط رقیب بررسی می شود. قبل از حل مسئله نتایج مربوطه به تصمیماتی که گرفته می شود، بررسی می گردد.

۱- اگر آمریکا استراتژی "اعمال تحریم ها بدون همراهی اروپا" را انتخاب نماید کشور ایران هر کدام از پنج استراتژی مورد نظر خود را می تواند انتخاب نماید. در این مرحله نتایج هر استراتژی بررسی می شود:

۱ ۴ - استراتژی آمریکا "اعمال تحریم ها بدون همراهی اروپا" و انتخاب ایران "خروج از برجام" از دیدگاه جمهوری اسلامی ایران، اعمال تحریم ها از طرف آمریکا موضوع ج دیدی نیست و این تحریم ها با هدف تاثیرگذاری بالا بر بازار نفت ایران وضع شده است. اگر به روند تولید و مصرف نفت، گاز و فرآورده های نفتی ایران در طول چند سال اخیر نگاه کنیم تفاوت اساسی در میزان وابستگی کشور به نفت ایجاد شده است. بخش قابل ملاحظه ای از نفت و گاز در کشور مصرف می شود و وابستگی تکنیکی صنعت نفت به خارج از کشور به حداقل رسیده است. برای روشن شدن موضوع در بعد منابع انسانی در حال حاضر فارغ التحصیلان دانشگاه های داخل جذب بهترین شرکت های خارجی می شوند و در بعد منابع سرمایه ای و فیزیکی بیش از ۹۰ درصد از تجهیزات مورد نیاز صنعت در داخل تهیه می شود. ادامه برنامه ریزی ها و تشدید تحریم ها به احتمال زیاد نیاز کشور به صادرات نفت را از بین خواهد برد. تجهیزات سرمایه ای موجود در واحدهای تولیدی، ادعایی است که ثابت شده است. کشور توانایی تولید صد در صد نیازهای صنعت نفت را دارد. در بخش بهداشت و درمان و تولید دارو توانایی رفع نیازها وجود دارد. بخش های مختلف اقتصادی کشور وضعیت مشابهی دارند. اگرچه تاثیرات تحریم قابل کتمان نیست ولی مدیران برای ایرانی ها سخت نیست، بخصوص زمانی که استقلال و هویت آنها تهدید و منافع آنها در نظر گرفته نمی شود. عدم همراهی اروپا در تحریم آمریکا، فرصت لازم و کافی را در اختیار ایران قرار می دهد که نیازی به خروج از برجام نداشته باشد ولی ممکن است منافع ملی کشور اقتضای اتخاذ سیاست خروج از برجام را داشته باشد. در صورت تحریم آمریکا هزینه های فراوانی برای آمریکا جهت اعمال این سیاست بوجود می آید که محروم شدن شرکت های نفتی شرکای آمریکا از بازار ایران، نافرمانی شرکت های علاقه مند به همکاری با ایران با هدف کسب سود، بی ثباتی در قیمت نفت و سرفراز بیرون آمدن ایران از تحریم ها هزینه بالایی برای آمریکا به همراه دارد. می توان هزینه ۱۰ واحد ناشی از این استراتژی را برای آمریکا در نظر گرفت. خارج شدن ایران از برجام سهم ایران از بازارهای جهانی را کاهش می دهد. درصد بالایی از سهم ایران در بازارهای جهانی مربوط به نفت است. در صورت اعمال تحریم ها توانایی تامین ارز مورد نیاز اقتصاد مشکل خواهد بود. بعلاوه تحریم، محدودیت های مالی و سهولت نقل و انتقالات را مشکل خواهد کرد که فرض می کنیم در مجموع هزینه ای معادل ۵ واحد بر اقتصاد ایران تحمیل نماید.

۱ ۴ - استراتژی آمریکا "اعمال تحریم ها بدون همراهی اروپا" و انتخاب ایران "حفظ برجام از طریق همراهی اروپا"

چنانچه در مقابل استراتژی اعمال تحریم ها بدون همراهی اروپا ایران استراتژی حفظ برجام از طریق همراهی اروپا را انتخاب نماید در این صورت هزینه آمریکا به دلیل ناتوانایی در انتقال بخشی از هزینه ها بر کشورهای اروپایی، افزایش و ایران در صورت همراهی اروپا به دلیل دسترسی به بازارهای مختلف منتفع خواهد شد. این استراتژی می تواند هزینه ای بیشتر از ۱۱ واحد برای آمریکا داشته باشد و ایران از این سیاست ممکن است ۵ واحد نفع ببرد.

۱ ۴ - استراتژی آمریکا "اعمال تحریم ها بدون همراهی اروپا" و انتخاب ایران " سیاست جایگزینی روسیه و چین در مبادلات اقتصادی "

این استراتژی تغییر چندانی در هزینه های آمریکا نسبت به حالت های قبل نخواهد داشت و با توجه به اینکه مبادلات تجاری ایران و روسیه زیاد نیست و از طرف دیگر عربستان و بعضی از کشورهای منطقه در صدد پرداخت بخشی از هزینه های کاهش سطح همکاری روسیه و چین با ایران را هستند، این سیاست هزینه های آمریکا را حدود ۸ واحد و سودی برابر با ۱ واحد برای ایران خواهد داشت.

۱ ۴ - استراتژی آمریکا "اعمال تحریم ها بدون همراهی اروپا" و انتخاب ایران " اقدام از طریق همراهی کشورهای منطقه و تسلط بر بازار انرژی منطقه "

این استراتژی با توجه به عمق سردی روابط کشورهای منطقه و اتکای بسیاری از آنها به اروپا و آمریکا و لزوم اخذ تضمین امنیتی از قدرتهای بزرگ به دلیل ساختاری حکومتی شان بسیار مشکل است ولی در صورت دستیابی به نتیجه، هزینه آمریکا را به شدت از دو طریق یکی افزایش هزینه نفت و دیگری کاهش فروش سلاح به کشورهای منطقه افزایش می دهد. ایران نیز با افزایش سهم بازارهای منطقه منتفع خواهد شد. نتیجه قابل کمی سازی هزینه آمریکا ۱۸ و نفع ایران ۴ واحد خواهد بود.

۱ ۵ - استراتژی آمریکا "اعمال تحریم ها بدون همراهی اروپا" و انتخاب ایران " توافق با آمریکا و اروپا" این استراتژی در گام اول دور از دسترس نشان می دهد ولی در ماه های آخر بهنتهی به خروج آمریکا از برجام در واقع همین سیاست حاکم بوده است. این سیاست هزینه آمریکا را ۵ و هزینه ایران را ۸ واحد تخمین می زند.

۲ - اگر آمریکا استراتژی " اقدام از طریق بی ثباتی در داخل و حمایت از براندازی " را انتخاب نماید کشور ایران هر کدام از پنج استراتژی خود را می تواند انتخاب نماید. در این مرحله نتایج هر استراتژی بررسی می شود:

۲ ۴ - استراتژی آمریکا " اقدام از طریق بی ثباتی در داخل و حمایت از براندازی " و انتخاب ایران " خروج از برجام و ان پی تی و تشدید فعالیت هسته ای "

استراتژی اقدام از طریق بی ثباتی در داخل و حمایت از براندازی را از رفتار مشاوران نیت ملی رئیس جمهور آمریکا و برخی از سیاستمداران آن کشور می توان مشاهده نمود. فروپاشی کشور از درون از طریق تغییر در فکر و اندیشه مردم در جهت تشکیل حلقه های فکری اجتماعی و فرهنگی همواره از استراتژی های مخالفان جمهوری اسلامی بوده است. استفاده از قدرت نرم و فرایند تغییر به شیوه های نوین در برخی کشورها نتایج قابل توجهی به همراه داشته است. تضعیف اخلاق، نهاد خانواده، شئون اجتماعی، سیاسی و اقتصادی و تشویق بی بندوباری همواره مورد هدف دشمنان بوده است. انجام این نوع استراتژی هزینه های فراوان و گاهی سال ها سرمایه گذاری نیاز دارد. در مقابل هرچه قدرت پاسداری از اخلاق و مبانی نظری و عملی و پایه های استواری جامعه بیشتر باشد هزینه هایی که برای فروپاشی یک جامعه نیاز هست، بیشتر خواهد بود. سلاحی که جمهوری اسلامی ایران مدام بر آن تاکید دارد انقلابی بودن و استفاده از معارف الهی و رشد و شکوفایی شجره طیبه است. ولی فقه بعنوان رهبر و فرمانده کل قوا بر شکوفایی و پیشرفت جامعه بر مدار اخلاق، تاکید دارند و آثار رشادت های شهدای اسلام و انقلاب هزینه براندازی را نه تنها بسیار

افزایش داده که فکر براندازی را نیز از نظر نظری از بین برده است. پرهیز از چپاول و اشرافیگری، رعایت عدالت اجتماعی، پرهیز از اسراف بخصوص در مقام عمل که بر هزینه های براندازی موثر است، بسیار مورد تاکید است. بنابراین آنچه جمهوری اسلامی ایران انجام می دهد وظیفه الهی در جهت تعمق اخلاق در جامعه است و مستقل از برنامه ریزی های دشمنان صورت می گیرد. در نتیجه فشار برای براندازی هزینه بسیاری برای آمریکا به همراه دارد و هزینه های جمهوری اسلامی ایران به دلیل استقلال فعالیت ها از رفتار آمریکا اندکی افزایش می یابد.

این استراتژی هزینه آمریکا ۸ واحد و هزینه خروج از برجام برای ایران هزینه های مربوط به از دست دادن بازارهای بین المللی و هزینه های ناچیز در تقویت پایه های داخلی است که معادل ۵ واحد خواهد بود.

۲ ۴ - استراتژی آمریکا " اقدام از طریق بی ثباتی در داخل و حمایت از براندازی " و انتخاب ایران " حفظ برجام از طریق همراهی اروپا "

همراهی اروپا در حفظ برجام هزینه براندازی و اقدامات خرابکاری در ایران را برای آمریکا افزایش می دهد. ایران از طریق همراهی اروپا می تواند از بازار اروپا برای تهیه کالاهای سرمایه ای و فروش محصولات صادراتی نفع ببرد. در این استراتژی انتخابی آمریکا ۸ واحد هزینه خواهد داشت و انتخاب ایران در صورتی که بازار را از دست ندهد درآمدی معادل ۳ واحد خواهد داشت.

۲ ۳ - استراتژی آمریکا " اقدام از طریق بی ثباتی در داخل و حمایت از براندازی " و انتخاب ایران " سیاست جایگزینی روسیه و چین در مبادلات اقتصادی "

این استراتژی به دلیل اینکه حجم مبادلات ایران و روسیه زیاد نیست و چین سابقه افزایش قیمت در صورت انحصاری بودن بازار را دارد، درآمد قابل توجهی نصیب ایران نخواهد شد. لذا این استراتژی هزینه ای معادل ۵ واحد برای آمریکا و ایران نیز ۱ واحد از بازارهای غیر اروپایی درآمد خواهد داشت.

۲ ۴ - استراتژی آمریکا " اقدام از طریق بی ثباتی در داخل و حمایت از براندازی " و انتخاب ایران " اقدام از طریق همراهی کشورهای منطقه و تسلط بر بازار انرژی منطقه "

استراتژی براندازی توسط آمریکا در صورتی که کشورهای منطقه همراهی با جمهوری اسلامی داشته باشند هزینه فراوانی برای آمریکا خواهد داشت که معادل ۱۲ و درآمدی سرشاری برای کشورهای منطقه و برای ایران می توان درآمدی معادل ۵ واحد در نظر گرفته می شود.

۲ ۵ - استراتژی آمریکا " اقدام از طریق بی ثباتی در داخل و حمایت از براندازی " و انتخاب ایران " توافق با آمریکا و اروپا "

این استراتژی اگرچه با هم در تضاد هستند ولی همواره در زمان توافق سیاست های دیگری علیه جمهوری اسلامی ایران و به بهانه های دیگر نظیر حقوق بشر که هدف های براندازی از آن استنباط می شود ، در برنامه های آمریکا قرار می گیرد. لذا این سیاست هزینه ۴ واحدی برای آمریکا و درآمدی ناشی از فعالیت در بازارها معادل ۳ خواهد بود.

۳ - اگر آمریکا استراتژی " انزوای استراتژیک ایران در منطقه و تهی کردن ظرفیت و قدرت منطقه ای ایران " را انتخاب نماید کشور ایران هر کدام از پنج استراتژی خود را می تواند انتخاب نماید . در این مرحله نتایج هر استراتژی بررسی می شود:

۳ ۴ - استراتژی امریکا " انزوای استراتژیک ایران در منطقه و تهی کردن ظرفیت و قدرت منطقه ای ایران " و انتخاب ایران " خروج از برجام و ان پی تی و تشدید فعالیت هسته ای " برای بررسی هزینه های انزوای استراتژیک ایران لازم است نگاهی به موقعیت استراتژیک ایران داشته باشیم . ایران موقعیت ساحل خلیج فارس، دریای عمان و دریای خزر و تسلط کامل بر تنگه هرمز را در اختیار دارد و در طول قرن‌ها بین سه قاره اروپا، آسیا و آفریقا پیوند برقرار نموده است . ایان دومین دارنده ذخایر گاز و چهارمین دارنده ذخایر نفت جهان است و برنامه های سال های اخیر مبتنی بر تکیه بر بازار داخلی و قطع وابستگی اقتصاد به بازار خارجی این منابع بوده است بطوری که در زمینه گاز وابستگی به ارز حاصل از صادرات گاز به کمترین میزان می باشد . در زمینه انزوای منطقه ای ایران فعالیت های زیادی صورت گرفته که حوزه های تنش را شامل ادعاهای مرزی مانند آنچه ادعای واهی مالکیت جزایر ابوموسی، تنب کوچک و بزرگ و اختلافات قومی و مذهبی که در راس آنها اختلاف بین شیعه و سنی، استفاده از ابزار کاهش و افزایش تولید نفت با هدف کاهش یا افزایش قیمت نفت در تضاد با منافع همسایگان یا به عبارتی سلاح نفت، و منازعه در سیاست خارجی و مداخله در امور داخلی همواره ابزارهای کشورهای مداخله گر در منطقه خاورمیانه بوده است. دامن زدن به انزوای ایران و کاهش ظرفیت اقتصادی کشور با توجه به موقعیت کشور موضوع مهمی است که محاسبه میزان هزینه و فایده آن آسان نیست. لذا با توجه به وابستگی متغیرهای موثر بر انزوای ایران به نظر می رسد هزینه آن با توجه به رقابت میان کشورهای منطقه منافع و هزینه های فراوانی به همراه دارد. هزینه های که کشورهای منطقه بابت انزوای ایران پرداخت می کنند بسیار بالا است زیرا برای اینکار ناچار به خرید تسلیحات و تضمین های امنیتی از کشورهای غربی هستند. لذا در این تحقیق از آنجایی که کشورهای منطقه بخش زیادی از این هزینه ها را می پردازند علی الرغم بالا بودن هزینه این استراتژی نوع رفتار آمریکا، ایان هراسی بوده که کل هزینه ها را بر دوش چند کشور همسایه گذاشته به این دلیل این سیاست برای آمریکا درآمدزا بوده است. لذا سرجمع نتیجه این استراتژی برای آمریکا با فرض خروج ایران از برجام درآمد ۳ و برای ایران هزینه ۱ خواهد بود.

۳ ۴ - استراتژی امریکا " انزوای استراتژیک ایران در منطقه و تهی کردن ظرفیت و قدرت منطقه ای ایران " و انتخاب ایران " حفظ برجام از طریق همراهی اروپا "

استراتژی ایران در صورت همراهی اروپا می تواند به عدم همراهی کشورهای منطقه در انزوای ایران کمک نماید که در نتیجه آن ایران می تواند درآمد معادل ۳ و آمریکا هزینه ای معادل ۲ متحمل شود.

۳ ۳ - استراتژی امریکا " انزوای استراتژیک ایران در منطقه و تهی کردن ظرفیت و قدرت منطقه ای ایران " و انتخاب ایران " سیاست جایگزینی روسیه و چین در مبادلات اقتصادی "

از طریق این استراتژی می توان هزینه آمریکا را ۱ و درآمد ایران را ۱ واحد با توجه به نقش روسیه و چین در منطقه در نظر گرفت.

۳ ۴ - استراتژی آمریکا " انزوای استراتژیک ایران در منطقه و تهی کردن ظرفیت و قدرت منطقه ای ایران" و انتخاب ایران " اقدام از طریق همراهی کشورهای منطقه و تسلط بر بازار انرژی منطقه" در صورتی که استراتژی ایران موثر باشد هزینه آمریکا به شدت بالا خواهد رفت و ایران به همراه کشورهای منطقه منافع زیادی بدست خواهند آورد که هزینه آمریکا ۸ و درآمد ایران ۵ خواهد بود.

۳ ۵ - استراتژی آمریکا " انزوای استراتژیک ایران در منطقه و تهی کردن ظرفیت و قدرت منطقه ای ایران" و انتخاب ایران " و انتخاب ایران "توافق با آمریکا و اروپا"

این استراتژی واژه های روح و جسم توافق را به ذهن متبادر می سازد . به این معنی که توافق صورت می گیرد و با استفاده از ابزار های دیگر در فکر کاهش قدرت ایران باشند. در این صورت هزینه آمریکا در صورت موثر بودن ایران هراسی و غیر موثر بودن این شعار متفاوت خواهد بود که میانگین این رفتارها می توان هزینه آمریکا را ۲ و درآمد ایران را ۱ در نظر گرفت.

۴ - اگر آمریکا استراتژی " تحریم ها با همراهی اروپا " را انتخاب نماید کشور ایران هر کدام از پنج استراتژی خود را می تواند انتخاب نماید. در این مرحله نتایج هر استراتژی بررسی می شود:

۴ + - استراتژی آمریکا " تحریم ها با همراهی اروپا" و انتخاب ایران " خروج از برجام و ان پی تی و تشدید فعالیت هسته ای"

تحریم آمریکا علیه ایران با پیروزی انقلاب در سال ۱۳۵۸ از طریق مصادره دارایی های ایران نزد بانک های آمریکا و ممناعت از معامله با ایران شروع شد . تمام تجهیزات نظامی خریداری شده و سفارش داده شده توسط دولت ایران متوقف شد. در دفاع مقدس کنترل های سختگیرانه تری صورت گرفت. صادرات تجهیزات نظامی، تصویب ممنوعیت صدور کالاهای آمریکایی توسط کنگره آمریکا، ممنوعیت هرگونه معامله برای توسعه صنعت نفت ایران، ممنوعیت واردات، صادرات و سرمایه گذاری متقابل ایران و آمریکا، تصویب قانون داماتو از این جمله هستند. در سال ۱۳۷۵ قانون تحریم های ایران ولیبی تصویب شد و بانک های ایرانی و شرکت های وابسته به سپاه پاسداران در لیست تحریم ها قرار گرفت و در سال ۱۳۸۹ تحریم صادرات نفت ایران و بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران برنامه ریزی و اجرا شد . هدف این تحریم ها فشار بر سرمایه گذاری، خروج اجباری شرکت های بین المللی، افت تولید نفت، محدودیت شدید مالی و ممانت از صدور پوشش بیمه ای به منظور تامین خواسته های آمریکا و تامین منافع آن کشور است . همراهی اروپا با این تحریم ها هزینه فراوانی مانند هزینه هایی که بابت اقدامات منتهی به جنگ در سوریه و عراق را به همراه خواهد داشت و صادرات نفت با مشکل مواجه خواهد شد . لذا همراهی اروپا با تحریم ها هزینه های بسیاری برای این کشورها به همراه دارد که آمریکا به دنبال انتقال این هزینه ها به کشورهای اروپایی است و به نظر می رسد با همراهی اروپا از هزینه های آمریکا به مقدار زیادی کاسته خواهد شد. لذا این استراتژی ۴ واحد هزینه برای آمریکا و دور شدن ایران از بازارهای اروپا و افزایش ریسک سرمایه گذاری و هزینه های مربوط به کالاهای سرمایه ای به همراه طرح های توسعه انرژی هسته ای هزینه ایران را به میزان ۱۰ واحد افزایش خواهد داد.

۴۴ - استراتژی امریکا " تحریم ها با همراهی اروپا " و انتخاب ایران " حفظ برجام از طریق همراهی اروپا " اروپا ممکن است سیاستی دوگانه انتخاب نماید که در اینصورت ایران هزینه های بیشتری نسبت به حالت قبل پرداخت خواهد کرد . در این حالت هزینه آمریکا ۳ واحد و هزینه ایران ۱۲ واحد خواهد بود. این استراتژی به معنی تفاوت در روح و جسم برجام است که همراهی با آمریکا و معطل ماندن زمینه های رشد و توسعه ایران خواهد بود.

۴۴ - استراتژی امریکا " تحریم ها با همراهی اروپا " و انتخاب ایران " سیاست جایگزینی روسیه و چین در مبادلات اقتصادی "

این استراتژی بخشی از هزینه های تحریم را متوجه اروپا می سازد و با توجه به محدودیت های مالی و بیمه ای ایران هزینه های پرداخت خواهد کرد و لذا هزینه آمریکا ۷ و هزینه ایران ۳ خواهد بود

۴۴ - استراتژی امریکا " تحریم ها با همراهی اروپا " و انتخاب ایران " اقدام از طریق همراهی کشورهای منطقه و تسلط بر بازار انرژی منطقه "

این استراتژی هزینه های تحریم را برای امریکا افزایش می دهد و اقدامات کشورهای منطقه می تواند منفعتی برای ایران به همراه داشته باشد . لذا انتظار هزینه ۶ واحدی برای آمریکا و درآمدی ۵ واحدی برای ایران قابل پیش بینی است.

۴۵ - استراتژی امریکا " تحریم ها با همراهی اروپا " و انتخاب ایران " توافق با آمریکا و اروپا "

این استراتژی مشابه استراتژی قبل از خروج آمریکا از برجام است به این صورت که توافق وجود داشت ولی زمینه همکاری اقتصادی از بین رفت . اگرچه این دو استراتژی با هم در تضاد هستند ولی ساز و کارهای سیاسی و تقسیم قدرت بین رئیس جمهور و کنگره در آمریکا و ساختار سیاسی ایران بوجود آمدن سیاست هایی به این شکل را پیش بینی می کند. لذا این گزینه به دلیل تساوی هزینه و درآمد، نفعی برای ایران و آمریکا به همراه ندارد

۵ - اگر آمریکا استراتژی " توافق و رفع تحریم ها " را انتخاب نماید کشور ایران هر کدام از پنج استراتژی خود را می تواند انتخاب نماید. در این مرحله نتایج استراتژی بررسی می شود:

۵ + - استراتژی امریکا " توافق و رفع تحریم ها " و انتخاب ایران " خروج از برجام و ان پی تی و تشدید فعالیت هسته ای "

توافق و رفع تحریم ها از سوی آمریکا به معنی بازنگری در استراتژی آن کشور در منطقه و آغازی بر روند صلح و پذیرش شرایط حاکم بر منافع کشورها خواهد بود . در شرایط جدید با توجه به اینکه خاورمیانه منبع تامین انرژی در جهان می باشد و با توجه به تجدید پذیر نبودن سوخت های فسیلی و نیاز روزافزون جامعه بشری به این مواد و ضرورت پرداخت بهای واقعی آن، ساختار جدیدی بر بازارها حاکم خواهد شد . از سوی دیگر توافق به معنی عدم نیاز به خرید سلاح توسط کشورهای خاورمیانه و از بین رفتن این منبع عظیم درآمدی غرب از یک سو و عدم نیاز به حمایت از اسرائیل و واگذاری تصمیم گیری در این سرزمین به ساکنان آن از سوی دیگر خواهد بود . این توافق اگرچه به نظر می رسد منبع درآمدی آمریکا از کشورهای خریدار سلاح و گوش به فرمان در عرضه انرژی را از بین می برد ولی باید پذیرفت که دور یا زود این منبع

درآمدی از دستشان خارج خواهد شد و لذا می توانند بازارهای سایر کالاها را فعال نموده و از راه های صحیح کسب منفعت نمایند. بنابراین آمریکا از یک سو منبع درآمدی سرشاری را از دست می دهد و از سوی دیگر منابع بسیاری را در سایه صلح و امنیت در برابر خود خ واهد داشت. در صورت توافق آمریکا بر رفع تحریم ها و لغو برجام از سوی ایران، کشور آمریکا منافع زیادی از طرق ایران هراسی و فروش سلاح های نظامی و درآمدهای ناشی از تضمین های امنیتی کشورهای منطقه کسب خواهد کرد و ایران در نتیجه همراهی کشورهای منطقه با آمریکا توانایی بدست آوردن سهمی از بازارها را نخواهد داشت و با این محاسبه درآمدی معادل ۱۲ واحد برای آمریکا و زیانی معادل ۱۴ واحد برای ایران قابل پیش بینی است.

۴ ۵ - استراتژی آمریکا "توافق و رفع تحریم ها" و انتخاب ایران " حفظ برجام از طریق همراهی اروپا" این استراتژی می تواند نتایج مثبتی برای آمریکا و ایران به همراه داشته باشد و از بازار نفع ببرند انتظار می رود این استراتژی درآمد ۱۱ واحدی برای آمریکا و ۸ واحدی برای ایران داشته باشد.

۳ ۵ - استراتژی آمریکا "توافق و رفع تحریم ها" و انتخاب ایران "سیاست جایگزینی روسیه و چین در مبادلات اقتصادی"

این استراتژی برای ایران به معنی صرف نظر کردن از بازار آمریکا است و نگاه به بازارهای چین و روسیه است که برای آمریکا درآمدی معادل ۹ و برای ایران درآمدی معادل ۵ خواهد داشت.

۴ ۵ - استراتژی آمریکا "توافق و رفع تحریم ها" و انتخاب ایران " اقدام از طریق همراهی کشورهای منطقه و تسلط بر بازار انرژی منطقه"

این استراتژی به دلیل اینکه قدرت انحصاری کشورهای منطقه را افزایش می دهد، منافع آمریکا را کاهش و منافع ایران را افزایش می دهد. لذا برای آمریکا درآمدی معادل ۶ و برای ایران در آمدی معادل ۱۴ می توان در نظر گرفت.

۵ ۵ - استراتژی آمریکا "توافق و رفع تحریم ها" و انتخاب ایران "توافق با آمریکا و اروپا"

از آنجایی که از طریق این استراتژی ایران می تواند از بازارهای آمریکا و اروپا منتفع شود و آمریکا هم از بازار های ایران سهمی داشته باشد این استراتژی برای آمریکا درآمد ۱۵ و برای ایران درآمد ۹ را به همراه دارد.

| توافق و رفع تحریم ها | تحریم ها با همراهی اروپا | انزوای استراتژیک ایران در منطقه و تهی کردن ظرفیت و قدرت منطقه ای ایران | اقدام از طریق بی ثباتی در داخل و حمایت براندازی | اعمال تحریم ها بدون اروپا | |
|----------------------|--------------------------|--|---|---------------------------|--|
| (۱۲ -۱۴) | (-۴ -۱۰) | (۳ -۱) | (-۸ -۵) | (-۱۰ -۵) | خروج از برجام و پیگیری فعالیت هسته ای |
| (۱۱ ۸) | (-۳ -۱۲) | (۳ -۲) | (-۸ ۳) | (-۱۱ ۵) | حفظ برجام از طریق همراهی اروپا |
| (۹ ۵) | (-۷ -۳) | (-۱ ۱) | (-۵ ۱) | (-۸ ۱) | سیاست جایگزینی روسیه و چین در میادلات اقتصادی |
| (۱۴ ۶) | (-۶ ۵) | (-۸ ۵) | (-۱۲ ۵) | (-۱۸ ۴) | اقدام از طریق همراهی کشورهای منطقه و تسلط بر بازار انرژی منطقه |
| (۱۵ ۹) | (۰ ۰) | (-۲ ۱) | (-۴ ۳) | (-۵ -۸) | توافق با آمریکا و اروپا |

ایران می تواند سیاست حداکثر نمودن هزینه رقیب یا حداکثر کردن منافع خود را دنبال کند. آمریکا در حال حاضر سیاست اعمال تحریم ها با همراهی اروپا را در دستور کار دارد. اگر هدف ایران حداکثر کردن هزینه آمریکا باشد استراتژی همراه کردن کشورهای منطقه و تسلط بر بازار انرژی بهترین راهبرد می باشد. این استراتژی دقیقاً بر خلاف راهبردهای اسرائیل در منطقه مبنی بر عدم همراهی با ایران است. حفظ برجام از طریق همراهی اروپا در مرحله بعد می تواند منافع ایران را تامین نماید. توافق بر برجام و رعایت احترام متقابل می تواند منفعی را برای ایران، آمریکا و جهان به همراه داشته باشد موضوعی که اساس سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران است. حل این مسئله از و بررسی کامل موضوع نیاز به واقعی نمودن محاسبات دارد و با حل کامل مسئله می توان به انتخاب بهترین استراتژی رسید.

امین عربی

مشاور استاندار فارس

